



ایالات متحده برای بازپس‌گیری نفوذ خود در آفریقا به تکاپو افتاده است

گرایش آفریقا به شرق ناکامی استثمار مدرن

گزارش تحلیلی

فائزه سادات یوسفی

روزنامه نگار

تروریست‌ها قرار گرفتند. ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز از مهاجران آفریقایی به بدترین شکل ممکن یاد کرد که واکنش شدیدی از سوی کشورهای آفریقایی را در بر داشت.

از بین بردن این زخم‌ها در آفریقا به سهولت امکان پذیر نیست و لازم است که آمریکا برای کامیابی مد نظرش، ابتدا به ترمیم چهره خود بپردازد. از سویی دیگر، با چند موضوع دولت‌ها و مقامات آفریقایی می‌توان پی برد که خطری که در واشنگتن احساس شده تا چه اندازه جدی و محتمل است. این خطر فارغ از نفوذ چین و روسیه و حتی ایران است و در واقع رویکردی از آمریکا را نشان می‌دهد؛ دو موضوعی که شاید در وهله اول یکسان دیده شوند، اما عملی شدنشان مستلزم به کارگیری راهبردها و استراتژی‌های متفاوت است.

موقعیت سیاسی و اقتصادی آفریقا

قاره آفریقا ۵۵ کشور را شامل می‌شود و دولتمردان ایالات متحده نیز می‌دانند که این کشورها در آینده جهان چه نقش محوری و با اهمیتی خواهند داشت. همچنین دارای ذخایر بزرگ فلزات حیاتی و دارای مواد خام و ذخایر زیرزمینی با ارزشی است که صنایع خودروسازی و غول‌های فناوری ایالات متحده شدت به آنها وابسته هستند.

علاوه بر این، مواد معدنی کمیابی مانند کبالت، مس و نیکل در چندین کشور آفریقایی به وفور وجود دارد که برای وسایل نقلیه الکتریکی و فناوری‌های تجدیدپذیر حیاتی هستند. آفریقا دارای بزرگ‌ترین منطقه آزاد تجاری جهان و اکوسیستمی بسیار متنوع است و کشورهای آفریقایی بیش از یک چهارم اعضای سازمان ملل هستند و آرای آنها در تصمیم‌گیری‌های این نهاد بین‌المللی بسیار اهمیت دارد. عدم همسویی این قاره در رأی‌گیری سازمان ملل که نزدیک به نیمی از همه رأی‌های متعلق در مجمع عمومی در موضوع قطعنامه محکومیت روسیه در جنگ اوکراین را شامل می‌شود، از اهمیت ویژه آنها در مناسبات بین‌الملل حکایت دارد.

استراتژی جدید در آفریقا استثمار مدرن است

ایالات متحده در سال گذشته، از استراتژی جدید خود در آفریقا رونمایی کرد؛ محور کلی آن حول تلاش برای پیشرفت دموکراتیک، اقتصادی و امنیتی این قاره نشانه‌گذاری شده است. یکی از نکات مهم، این است که طبق این استراتژی، حمایت ظاهری از دموکراسی در آفریقا به «رویارویی با فعالیت‌های جمهوری خلق چین، روسیه، و دیگر بازیگران» کمک خواهد کرد. بنابراین به راحتی می‌توان دید که یکی از اهداف بلند مدت سیاستگذاران آمریکایی در لس‌آنجس به زعم خود دموکراسی‌سازی می‌نامند، بیرون راندن رقبای در این قاره استراتژیک و احیای نفوذ و استثمار مدرن است. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا پاییز سال گذشته در پایان نشست آمریکا و آفریقا در واشنگتن گفت: «فکر می‌کنم،

سال آینده بسیاری از مقام‌های آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور آفریقا سفر خواهند کرد». این مقام دولت بایدن، تأکید کرد که طی ماه‌های آینده، اجرای تعهدات انجام شده در این رویداد بسیار اهمیت دارد. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا هم در همان وقت در نشست واشنگتن با سران کشورهای آفریقایی رسماً از عضویت اتحادیه آفریقا در گروه ۲۰ حمایت کرد. وی گفت: امروز خواستار عضویت اتحادیه آفریقا در گروه ۲۰ به عنوان یک عضو دائمی می‌شوم. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین اعلام کرد واشنگتن از اصلاحات شورای امنیت برای نمایندگی دائم آفریقا حمایت می‌کند. اما تمام این امتیازات خبر از این می‌دهد که پشت پرده ماجرا چیز دیگری است؛ بویژه وقتی که بایدن در تداوم رقابت با روسیه و چین در قاره آفریقا ادامه داد: پس یک طرح جدید معرفی می‌کنم.

این طرح تحول دیجیتال آفریقا است. او درباره این طرح گفت که ما در حال همکاری با کنگره برای سرمایه‌گذاری ۳۵۰ میلیارد دلاری و تأمین مالی بیش از ۵۰۰ میلیون دلار جهت اطمینان از مشارکت مردم آفریقا در اقتصاد دیجیتالی هستیم. آمریکا که سیاست‌های استعماری و در جهان بویژه در آفریقا شناخته شده است، حال با موضوعی که در ظاهر نشان از اعطای امتیاز دارد اما در واقعیت، نوعی استثمار مدرن است، به دنبال جلوگیری از گسترش روابط کشورهای آفریقایی با کشورهای رقیبش است.

نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی چین و روسیه در قاره آفریقا، منطقه مستعد از لحاظ اقتصادی و سیاسی، زنگ‌های خطر را برای آمریکا به صدا درآورده و واشنگتن را به تقلا واداشته تا پس از چند دهه غفلت، به دنبال جبران عقب‌ماندگی از رقبای قدرتمند خود در این منطقه باشد. اکنون راهبر جدید واشنگتن این است که سیاست خارجی خود را از رابطه سنتی متمرکز بر مشارکت‌های امنیت ملی به سمت تمرکز بر توسعه اقتصادی و مردمی حرکت دهد. چنین رویکردی در اصل برای پوشاندن مقاصد واقعی و فریفتن کشورهای آفریقایی مصرف می‌شود تا با ایجاد مسیر جدید، چهره دیگری از خود به نمایش گذارد.

زیرا دلیل چرخش کشورهای آفریقایی به سمت رقبای ایالات متحده، این است که مبنای مناسبات و روابط آنها استعماری و مداخله‌گرایانه نیست و در بستر تعاملات سازنده و شراکت تجاری که منافع دوجانبه را تأمین می‌کند، با یکدیگر ارتباط دارند.

ارباب دولت‌های آفریقایی؛ راهکار ناکام آمریکا

رقبای آمریکا بر خلاف رویکرد یکجانبه‌گرایانه این کشور و با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی از جایگاه ویژه و نفوذ فزاینده‌ای در این قاره برخوردار شده‌اند. به طور مثال آمریکا با رد کمک‌های سازمان ملل و روآوردن به کمک‌های مستقیم، تمرکز بر افزایش سهم تجاری و اشتغال برای آمریکاییان بیش از هرچیز دیگر، تنها به

منافع استراتژیک خود پرداخته که این یکجانبه‌گرایی از دید مقامات آفریقایی دور نمانده است. از این رو، آمریکا برای به دست آوردن یک راه‌حل اساسی به تغییر تاکتیک روی آورده تا حداقل بتواند توان خود را در این مسیر بسنجد.

در استراتژی جدید آمریکا در آفریقا، یک موضوع مهم نیز وارد شده و آن درگیری‌های مزمزم و مستمر در برخی کشورهای آفریقایی است که امنیت را در آن دچار خدشه کرده است. در این استراتژی، واشنگتن خود را متعهد به استفاده از دیپلماسی، توسعه و دفاع به عنوان ابزار برای تقویت و توانمندسازی شرکا برای پاسخگویی به محرک‌های درگیری دانسته است.

آنچه مشهود است تنازعات و نبردهای پراکنده و پیچیدگی‌های آن، در برخی کشورهای آفریقایی بویژه بخش غربی آن و تهدیدات امنیتی متنوع در این قاره، زمینه‌ساز فریب و نفوذ سیاسی آمریکا تحت عنوان برقراری صلح و ثبات شده است. ایالات متحده در چهار چوب این استراتژی و به کارگیری طرح‌هایی به بیانه صلح می‌کوشد تا جهت‌گیری‌های سیاسی جدید را که می‌تواند در آینده زاویه جدی با سیاست‌های آمریکا در جهان داشته باشد، در این قاره مهار کند. به عنوان نمونه، مقامات آمریکایی در سخنان خود با کشورهای آفریقایی، امکان پذیری حل چالش‌های جهانی در عرصه‌های گوناگون را در گرو همکاری با اتحادیه آفریقا ذکر کرده‌اند.

از طرفی واشنگتن در راستای استراتژی گسترش نظامی، قاره آفریقا را نیز همواره در زاویه دید خود داشته است و اکنون نیز با توجه به تحولات بین‌الملل و توسعه نظامی آمریکا در جهان، می‌کوشد تا آفریقا را در نقشه این توسعه وارد کند.

بر اساس داده‌های اعلام شده در حال حاضر آمریکا بین ۳۰ تا ۴۰ پایگاه نظامی در کشورها و نقاط استراتژیک قاره سیاه در اختیار دارد.

آمریکا در کنار از دست دادن ثروت هنگفت در قاره آفریقا از ارتقای سطح سیاسی در این کشورها به موازات دنیای شرقی، که می‌تواند توازن قدرت در جهان را در آینده به ضرر آمریکا به هم زند، هراس دارد. از این رو می‌کوشد با دستاویز قرار دادن همکاری‌های آفریقا و رقبای خود در این قاره و ارباب دولت‌های آفریقایی از آن، بهانه‌ای برای نفوذ هر چه بیشتر در این قاره ایجاد کند. همچنین تلاش است با مدل‌سازی جدیدی از توسعه روابط اقتصادی که آن را می‌تواند کی‌برداری میوب از نوع روابط رقبای (دشمنان) دانست، به حذف تدریجی آنها در همکاری با آفریقا بپردازد.

اما دیری نباید که رسوایی تغییر چهره آمریکا، خود را بر همگان نشان داد. تناقض رفتاری در سیاست کلی آمریکا آنجایی آشکار شد که مجلس نمایندگان لایحه مداخله‌گرایانه‌ای را علیه همکاری قاره آفریقا با روسیه در دستور کار قرار داد که در پی این اقدام، مقامات آفریقایی جنوبی آن را نامیدکننده و ناقض تعاملات بر مبنای استقلال و احترام که آمریکا در پی گرفته است، دانستند.

چرا کشورهای آفریقایی به دنبال توسعه روابط خود با ایران، روسیه و چین هستند؟



دیدگاه

ایران - آفریقا

و عمدتاً به دلیل نقش تاریخی آفریقای جنوبی در مبارزه با استعمار و سرنگونی آپارتاید است. این امر نه تنها از نظر اقتصادی به نفع ایران است، بلکه از نفوذ و حمایت سیاسی بویژه در حوزه‌های حساس برخوردار بوده است. بر همین اساس، ایران از طریق گسترش پروژه‌های تجاری، اقتصادی و توسعه‌ای و نیز افزایش سفرهای دوجانبه سران و مقامات عالی‌رتبه در تلاش است تا کاستی‌های دولت قبلی را جبران کند، زیرا توجه بسیار کمی در دولت روحانی به این توسعه روابط با این قاره صورت گرفته بود. کارشناسان می‌گویند پیوندهای تاریخی ایران با کنگره ملی آفریقا بخشی از تلاش جمهوری اسلامی برای ایجاد «عمق استراتژیک» در آفریقای جنوبی و افزایش نفوذ خود در قاره آفریقا است. پس از پایان نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی، ایران از نخستین کشورهایی بود که روابط خود را با آفریقای جنوبی از سرگرفت و دو کشور از آن زمان تا کنون در بخش‌های مختلف، بویژه در زمینه تجارت، روابط مستحکمی دارند. آفریقای جنوبی از حق ایران در مسأله انرژی هسته‌ای در مجامع بین‌المللی دفاع کرده و تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران را غیرقانونی و غیرمنطقی نامیده است.



چین - آفریقا

آفریقایی، چین را شریک قابل اعتمادی می‌دانند. کارشناسان روابط بین‌المللی به محدودیت توانسته جایگاه خود را نسبت به آمریکا در آفریقا در درازمدت منافع فراوانی را برای تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری به بزرگترین شریک منطقه تبدیل شده و کشورهای

چین با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته جایگاه خود را نسبت به آمریکا در آفریقا افزایش دهد، به طوری که با تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری به بزرگترین شریک منطقه تبدیل شده و کشورهای



روسیه - آفریقا

برخی کشورهای آفریقایی به مدت چند دهه با اتحاد جماهیر شوروی رابطه داشته‌اند. پس از فروپاشی این کشور، این روابط با روسیه ادامه یافت و بسیاری از رهبران استقلال آفریقا گفتند که تأمین سلاح و آموزش نظامی برای کمک به مبارزه با حکومت اقلیت سفیدپوست و استعمار، موضوعی کلیدی است.

موضوع رسمی این کشورها در جنگ اوکراین، عدم همسویی با غرب است. برخی مانند آفریقای جنوبی با روسیه روابط دوستانه‌تری دارند و به طور بحث برانگیزی میزبان

زمایش‌های مشترک دریایی مصادف با سالگرد تهاجم روسیه به اوکراین بوده‌اند. روسیه پس از تهاجم نظامی به اوکراین و وضع تحریم‌های غرب علیه این کشور، توسعه روابط خود را با کشورهای آفریقایی و در پی سفر دوره‌ای دولتمردان این کشور به این قاره، در دستور خود قرار داده و قرار است نشست روسیه و آفریقا در ماه جولای در مسکو برگزار شود؛ موضوعی که در محافل غربی به عنوان گام مؤثری در توسعه روابط مسکو با کشورهای آفریقایی توصیف می‌گردد.